

رابطه چندگانه شدن زیست جهان های اجتماعی با بازاندیشی هویت فرهنگی زنان و دختران (مورد مطالعه: زنان و دختران ۴۹-۱۹ ساله کرج)

سیده مریم حسینی^۱، منصور حقیقتیان^{۲*}، اسماعیل جهانبخش^۳
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۲۰ صص ۲۱۶-۱۹۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۸

چکیده

هدف مقاله بررسی رابطه چندگانه شدن زیست جهان های اجتماعی با بازاندیشی هویت فرهنگی زنان و دختران بر پایه دیدگاه های جامعه شناختی درباره بازاندیشی هویت، زیست جهان اجتماعی و نظریات فمینیستی است. پژوهش از روش میدانی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه بهره گرفته است. داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار spss و آماره های رگرسیون و ضریب همبستگی تحلیل شدند. جامعه آماری شامل زنان و دختران ۴۹-۱۹ ساله شهر کرج بود. بر اساس فرمول کوکران، ۴۰۰ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از نقاط مختلف شهر کرج به صورت تصادفی انتخاب شدند. یافته ها نشان داد رابطه همبستگی زیست جهان مدرن با بازاندیشی هویت مثبت ولی رابطه همبستگی زیست جهان سنتی با بازاندیشی هویت منفی بوده است. همچنین رابطه همبستگی میان متغیر موقعیت ساختاری با بازاندیشی هویت و زیست جهان مدرن مثبت ولی با زیست جهان سنتی منفی بوده است. نتیجه تحلیل واریانس نیز معنی دار بود و نشان داد که متغیرهای مستقل توانسته اند تغییرات متغیر بازاندیشی هویت فرهنگی را تبیین کنند.

کلمات کلیدی: زیست جهان سنتی، زیست جهان مدرن، موقعیت ساختاری، بازاندیشی، هویت فرهنگی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران.

^۲ دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی-واحد دهقان، دهقان، ایران.

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران.

* نویسنده مسئول: mansour_haghighatian@yahoo.com

مقدمه

هویت بعنوان سازه اجتماعی که در روابط بین شخصی ساخته می شود (Lawer, 2014) و از فرهنگ یعنی مهم ترین و غنی ترین منبع هویت سازی تغذیه می کند، به صورت نیروی تأثیرگذار در جهت گیری کنش های فرد به سوی پیشرفت یا رکود جامعه عمل می کند. پیشینه این تفکر که به جامعه شناسی توسعه و به لزوم دگرگونی ارزش ها به عنوان مکانیسم هویت سازی در افراد به ویژه در آراء جامعه شناسان کلاسیک برمی گردد، شرایط و رخدادهای روابط ارزشی بین رفتار، کنش و اندیشه جمعی و فردی را به صورت نیروهای تأثیرگذار در سرنوشت جوامع قابل تبیین می داند (Weber, 2012; Durkheim, 2017 & Simmel, 1950). لذا استنباط بر این است که بستر مناسب پویایی و تعالی انسان ها از مسیر بازاندیشی و تغییر در نگرش ها و ارزش های فرهنگی و بالطبع خویشتنی و هویت، با توجه به مقتضیات زمان به دست می آید.

مفهوم بازاندیشی که ریشه در مکاتبی چون کنش متقابل نمادین دارد از این معنی برمی آید که افراد در خلال زیست جهان های اجتماعی یا همان تعاملاتشان و ملاحظه واکنش دیگران می توانند آگاهانه برداشت خود را از امور بازسازی و اصلاح نمایند و اگر بتوانند از الگوهای رفتاری عادی بگسلند هویت جدیدی خلق و قادر به کنشی نمادین می شوند که در سطح فردی و اجتماعی واجد جدل تازگی و پویایی است (Tanhaei, 1995 quoted by Razzaghi, 2003). لذا پرسش از چند و چون رابطه میان زیست جهان های اجتماعی و بازاندیشی هویت به ویژه در جامعه در حال گذاری چون ایران که در نیمه راه تجدد و در حال تجربه زیست جهان های مدرن و سنتی به صورت توأمان است، پرسشی اساسی است زیرا در حالی که زیست جهان مدرن با اندیشه نوآوری و نوسازی، به افسون زدایی از نظم معنایی سنت و مذهب می پردازد و با جایگزینی عقلانیت (ابزاری)، علم و تکنولوژی به عنوان موتور پیشرفت قصد دارد به زندگی سروسامانی نو دهد، زیست جهان سنتی فرد را به تکریم گذشته و زندگی در متن باورهای آن تشویق می نماید.

اهمیت این موضوع در شرایط فوق و در مورد زنان از آن روی است که زنان بخصوص در شهرها مشتاقانه بازاندیشی را تجربه می کنند هرچند بنا به شواهد تحقیقات انجام شده این بازاندیشی عمدتاً در سطوح عینی هویت و خویشتن زنانه است. در حالی که اگر رخداد این پدیده در ابعاد عمیق و ذهنی نظیر بعد فرهنگی هویت زنان به عنوان قشر تأثیر گذار، حداقل در چارچوب وظیفه تربیت نسل در نظام خانواده اتفاق افتد، می تواند به عنوان یکی از پارامترهای تعیین کننده عمق تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه و به همان میزان نوید بخش توسعه انسانی و هدایت جامعه به سمت پیشرفت باشد. لذا بررسی بازاندیشی هویت فرهنگی زنان به عنوان مدلی از توسعه و تعالی انسانی در رابطه با زیست جهان های اجتماعی در این جا مورد هدف و انگیزه تحقیق است.

انجام این پژوهش در شهر کرج بدین جهت اهمیت دارد که تحولات ناشی از مدرنیزاسیون و همجواری با کلان شهر تهران و نیز دسترسی به مراکز اشتغال صنعتی و اداری و جذب جمعیت مهاجر، طی حدود نیم قرن گذشته از یک شهر کوچک با ساختارهای ساده و سنتی به یک کلان شهر با جمعیت متنوع به لحاظ قومی تبدیل شده است و توانسته تجربه زیست جهان های متعددی را برای اهالی این شهر فراهم سازد. این شرایط در یک جامعه ای که به لحاظ تجربه مدرنیته هنوز فاصله زیادی از زیست جهان سنتی پیدا نکرده می تواند مصداقی از شرایط حاکم بر اغلب شهر های بزرگ ایران معاصر باشد که در گذار از سنت به مدرن وضعیت متناقضی داشته و تصویر روشنی را در مسیر هویت یابی و بازاندیشی هویت فراهم نمی سازد و ذهن محققین را به این سوال معطوف می دارد که تجربه زنان جامعه شهری ایران (به صورت موردی کلان شهر کرج) از زیست جهان های اجتماعی در یک وضعیت اجتماعی گذار چه تأثیری بر بازاندیشی هویت آنان در سطح فرهنگی داشته است؟ به عبارت دیگر در وضعیت چندگانه از نظر حضور زیست جهان های اجتماعی، هر کدام از جهان های معنایی سنت و مدرن، چگونه و با چه کیفیتی هویت فرهنگی زنان را تحت تاثیر قرار می دهد؟ و بر این اساس آیا می توان مدعی شد که رخداد بازاندیشی در زنان جامعه شهری ایران توانسته از سطح عینی (خویشتن زنانه) فراتر رفته و به ابعاد عمیق و ذهنی هویت نظیر بعد فرهنگی نیز گسترش یابد؟ - موضوعی که در تحقیقات پیشین کمتر بدان پرداخته شده است.

به نظر می رسد در شرایط چندگانه از نظر زیست جهان ها، بازاندیشی با کندی و یا به طریقی متناقض و پیوندی به صورت سنتی- مدرن اتفاق می افتد. چنانچه در جمع بندی تحقیقات داخلی و خارجی آن چه مورد تمرکز است این است که بازاندیشی در امور عینی هویت مانند سبک زندگی مصرفی و ظاهر و بدن است در حالی که بخش های عمیق هویت هنوز درگیر باورها و ارزش های سنتی است. در این رابطه عبداللہی چندانق و همکاران (Ebadollahi Chanzanegh et al, 2014) تحقیقی با عنوان "تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر هویت بازاندیشانه" انجام داده و در آن تأثیر تحصیلات دانشگاهی را بر بازاندیشی زنان و دختران مورد بررسی قرار داده اند. تفسیر نتایج حاکی از مقاومت زنان در برابر اعمال قدرت پدرسالارانه و یا شکل گیری هویت های مقاومت در میان آنان و میزان بالای فرد گرایی و بازاندیشی است. برداشت پژوهشگران این است که تغییر در هویت عینی دختران راحت تر از تغییر در هویت ذهنی انجام می گیرد زیرا زنان در عرصه رفتارهای عینی، آزادی و استقلال عمل بیشتری دارند اما در عرصه نگرش ها و ذهنیت ها بازاندیشی چندانی صورت نمی گیرد. در تحقیق رحمانی و طیبی نیا (Rahmani & Tayebi Nia, 2016) با عنوان «دانشگاه و بازاندیشی هویت زنانه در ایران» نیز آموزش عالی به عنوان یک عامل اجتماعی موثر در تغییرات و بازسازی هویت در نهایت در یک فرآیند بازاندیشانه به شکل گیری هویت جدیدی در زنان منجر می

شود که صرفاً برایشان هویت فردی و به رسمیت شناختن استقلال بویژه مهم است. غیاثوند (2014, Ghyyasvand) نیز در تحقیقی به نام «تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی زنان» با اذعان به این که در جامعه شهری مدرن مسئله هویت یابی زنانه از طریق فضای عمومی امری پذیرفتنی است، تأیید می کند که ساخت و توسعه مجموعه های «شهربانو» از منظر کارکردی منجر به اجتماعی شدن جنسیتی، نمایش بهتر بدن و پوشش مدرن زنان گردیده است. هم چنین حسن نژاد (2014, Hasanejad) در تحقیق خود با عنوان "مصرف پوشاک و چالش های هویتی در میان زنان ترکمن" نشان داده که ریختار شکل گرفته از مصرف پوشاک زنان مبتنی بر عناصر هویت ساز قومیت ترکمن در اثر ارتباط با عناصر جهانی شدن نظیر ماهواره، تلفن همراه، رسانه، تبلیغات بازار جهانی و حتی مسافرت، دچار چالش و موجب بازاندیشی و تغییر در عناصر پوشاک قومیتی آن ها شده است.

در مطالعات خارجی، یافته های تحقیق قوام زاده و مظفری (Ghavam Zadeh & Mozaffari, 2014) با عنوان «تأثیر شبکه های ماهواره ای فارسی زبان بر تغییر در شیوه زندگی زنان در ایران» نشان داد الگوی تغییرات در شیوه زندگی به کار رفته در این کانال ها با تغییرات در شیوه زندگی زنان در تهران مطابقت می کند. مهتا (2010, Mehta) نیز در مطالعه ای به نام "مصرف فرهنگ و اختلال در مرزهای اجتماعی، مذهبی" بر روی زنان مسلمان هندی مشخص کرد که هر چند مصرف رسانه های تصویری در ابتدا نوعی تابو محسوب می شده، اما حالا مصرف کنندگان محصولات رسانه ای به صورت معناداری تحت تأثیر کالایی شدن فرهنگ رسانه ای قرار دارند. یعنی یک تغییر در مفروضات سنتی زنان مسلمان در باره شیوه زندگی و الگوهای رفتاری رخ داده است. با کمی تفاوت و معطوف به هویت فرهنگی، مطالعه نجفی زاده (2013, Najafizadeh) با عنوان «زنان آذربایجان و اسلام: تغییر اجتماعی و روایات زنان در جمهوری آذربایجان» قابل ذکر است که در آن ضمن اشاره به تاریخ طولانی جمهوری آذربایجان و هویت دینی و اسلامی آن از قرن هفتم، به تکوین نقش های زنان در آن می پردازد. بر این اساس در حالی که دوران اتحاد جماهیر شوروی از دهه ۱۹۲۰ با تأکید بر کاهش ارزش دین و مساوات طلبی به عنوان ایدئولوژی شوروی، حجاب را از زنان گرفت و زنان را در نیروی کار و در سایر عناصر حوزه های عمومی مشارکت داد، با استقلال در سال ۱۹۹۱ زنان آذربایجان وارد یک دوره گذار شدند. زیرا در این دوره عوامل مختلفی به افزایش پدیداری اسلام و افزایش نفوذ دین نهادی و رسمی در زندگی روزمره آذربایجانی ها کمک کرده است. با این حال، اکثریت زنان مسلمان آذربایجانی، حجاب نمی پوشند و در مسجد یا سایر اماکن عمومی برای نماز نمی آیند بلکه نماز و مراسم مذهبی را در حریم خصوصی خانه برگزار می کنند.

به این ترتیب، چشم انداز پژوهش حاضر آن است که بازناندیشی هویت از خلال زیست جهان های اجتماعی موثر بر آگاهی های اجتماعی افراد بر می آید. بازناندیشی در جامعه شناسی به مثابه یک قابلیت ذاتی و یک ظرفیت ذهنی برای خلق و نیز پالودن تجربیات انسانی تلقی می شود (Tsekeris & Katrivesis, 2008). گیدنز^۱ بازناندیشی را در سطح فردی، فرایند تعریف و بازتعریف خود می داند، یعنی اعمال و عادات و کردارهای اجتماعی به طور دائم آزموده و در پرتو اطلاعات حاصل، اصلاح و پیوسته تغییر می کنند (Giddens, 2005). او ضمن بررسی موضوع هویت ذیل بحث تجدد معتقد است انسان مدرن در جستجوی هویت شخصی به صورت نوعی نیروی سیاسی پر قدرت درآمده است زیرا پویایی نهادهای جدید محرک اندیشه های مرتبط با رهایی بوده است. این رهایی در وهله اول آزادی از امر و نهی های جزم آلود سنت های کهن بود که با کاربرد روش های عقلانی در ادراک جهان و علم و تکنولوژی در عرصه زندگی، تحقق یافت. سیاست رهایی بخش نوعی دست کشیدن از روش های ثابت و کهنه گذشته است که به انسان اجازه تسلط بیشتر بر زندگی خویش را می دهد. در جامعه متجدد نظام های اجتماعی گرایش به کنترل درونی (خود مرجع) دارند زیرا نهادهای برخوردار از کیفیت بازناندیشی با مفهوم تسلط بر آینده و سازماندهی آن ارتباط دارند. تا هر زمان که زندگی اجتماعی به روش های سنتی سازمان یافته و عادت به «درست می شود!» یا تطابق های مصلحت جویانه با طبیعت برونی حکمفرما باشد، آن کنترل درونی که پویایی جوامع عصر جدید را تضمین می کند به وجود نخواهد آمد. توسعه نظام اجتماعی خود مرجع سرمنشأ طرح بازتابی خود است. با توجه به ماهیت زندگی اجتماعی و فرهنگ جدید، سرنوشت و تقدیر نقشی برعهده نداشته، گردش امور نظام بدست آدمیان (خود- مرجع) است. در سنتی ترین جوامع باستانی، به مجرد فرارسیدن لحظات سرنوشت ساز (تصمیم گیری های مهم مربوط به ازدواج، تشریفات نامزدی یا طلاق و جدایی و...) به سروش غیب یا پیشگویان متوسل شده یا نیروهای ربانی (کارشناسان و خبرگان امور) را به شفاعت می طلبیدند. ولی در جامعه جدید در لحظات سرنوشت ساز فرد الزاماً باید برپا خیزد و اوضاع را خود کنترل کند، زیرا فقدان مراجع معین و بلکه تعدد مراجع اجتماعی، هویت سازی را دشوار می کند لذا هرکس با هر زمینه ای از شک کاوشگرانه خود باید تصمیم بگیرد و تصمیمات مهم به مجرد تحقق و ایجاد تحول در شیوه زندگی، تأثیرات بازتابی خود را بر هویت اعمال می کنند (Giddens, 2013).

جنکینز^۲ هویت را به طور ذاتی، خود - انعکاسی دانسته و معتقد است انسان ها در جهان مدرن قادر به مقاومت در برابر رده بندی های اجتماعی و طبیعی هستند که این قدرت جلوه ای از خویشتن

¹ Anthony Giddens

² Richard Jenkins

تأملی آن ها است و سرشت انسان همین مقاومت است. افراد و گروه ها همواره بر تعبیر خود از این که چه کسی هستند و چه کاره اند پافشاری می کنند، گرچه همواره در این کار کامیاب نمی شوند زیرا سرمایه و منابع مادی و فرهنگی متفاوتی دارند (Jenkins, 2002).

به نظر مانوئل کاستلز گسترش روابط انسانی و وسایل ارتباطی، شکل گیری جامعه شبکه ای و تغییر پذیری روز افزون هویت ها در دنیای جدید، منجر به شکل گیری انواعی از هویت ها شده که عبارتند از: هویت مشروعیت بخش؛ هویت مقاومت و هویت برنامه دار. به نظر کاستلز هر یک از فرایندهای هویت سازی تاثیرات متفاوتی در ایجاد جامعه دارد؛ مثلاً وقتی فمینیسم از سنگرهای مقاومت و دفاع از هویت و حقوق زنان برمی خیزد تا پدرسالاری را به چالش بخواند، نمونه ای از هویت برنامه دار تلقی می شود (Castells, 2006). هر چند تحلیل های فمینیستی نشان می دهد تربیت سنتی و متفاوت زنان از مردان به آنان می آموزد که با توجه مستمر به نیازها و خواسته های دیگران، آرزوهای محدودی برای خود در نظر گرفته و همواره موضعی نانمادین اتخاذ و واکنشی عمل نمایند (Ritzer, 2014)، کاستلز ربع آخر قرن را همراه با خیزش های فمینیستی می داند که در تلاش اند تعریفی دوباره از زن بودن در تقابل با پدر سالاری بدست دهند و آگاهی زنان را با هدف ایجاد بازاندیشی نسبت به زندگی شان ارتقاء دهند. گرچه در جامعه امروزی برنامه ریزی بازاندیشانه و هویت های تأملی فقط برای دارندگان منابع فرهنگی و مادی امکان پذیر است (Castells, 2006).

بورديوآدر خلال بحث از عادتواره موضوع هویت فردی و جمعی را مورد توجه قرار داده و معتقد است عادتواره در میدان های اقتصادی، سیاسی، قانونی و غیره عمل می کند و تغییر اجتماعی و افزایش ظرفیت های بازاندیشی انتقادی به طور بالقوه با عدم تناسب میان عادتواره و میدان همراه است. وقتی که تنظیم بین عادتواره و میدان نقض شود، افزایش فرصت ها احتمال تأمل انتقادی را در اشکال قبلاً عادتواره شده کنش بالا می برد. در چنین شرایطی ممکن است عوامل (افراد) از تسلط نمادین اصول عادتواره ایمن باشند و کنش های احتمالی را تغییر دهند (Adkins, 2003).

بر اساس نظرات مطرح شده حول بازاندیشی انتظار این است که هویت فرهنگی بازاندیشانه همان گونه که در نظریات گیدنز منعکس شد از ویژگی هایی چون آینده گرایی در مقابل گذشته گرایی، فعال گرایی در مقابل تقدیرگرایی و علم گرایی در مقابل جزم اندیشی برخوردار باشد و این نمی تواند بی ارتباط با تغییر زیست جهان سنتی به مدرن باشد. پیتز برگر^۳ زیست جهان را مجموعه درهم تنیده ای از واقعیت های ذهنی (تعاریف از واقعیت) می داند که در درون شبکه ای از افراد و از طریق

¹ Manuel Castells

² Pierre Bourdieu

³ Peter Berger

ارتباطات و تعاملاتشان، به صورت بین‌الذهانی، برساخته می‌شود. بواسطه این تعاریف، مسیرهای کنش از پیش آماده شده، راه حل‌ها و تفاسیری از جهان اجتماعی در اختیار کنشگران قرار می‌گیرد که بتوانند در موقعیت‌های تردیدآمیز راه درست را از نادرست در زندگی خود تشخیص دهند. واقعیت زندگی روزمره شامل طرح‌های سنخ‌بندی است که افراد بر حسب آن‌ها ادراک شده و بر طبق این طرح‌ها با آنان رفتار می‌گردد (Berger & Lockman, 1996).

برگر تفاوت میان زیستن در جهان مدرن و سنتی را ناشی از تکثرگرایی جامعه مدرن می‌داند. در جوامع شدیداً تقسیم‌شده مدرن، موقعیت افراد متفاوت و فعالیت در بخش‌های گوناگون زندگی روزمره، آن‌ها را با جهان‌های معنایی و تجربی کاملاً متفاوت مرتبط می‌کند. تنوع در جهان معنایی به فرد امکان‌پذیری از مسیرهای مختلفی می‌دهد که فراروی خویش می‌بیند. برگر نه فقط خصلت اندیشنده بودن هویت مدرن را به جهان بیرونی، بلکه به ذهنیت فرد که طی آن جهان و خود به موضوع توجه آگاهانه تبدیل می‌شوند، تعمیم می‌دهد. از نظر او در جوامع ماقبل مدرن نظم معنایی یکپارچه ساز (دین‌نهادی)، بخش‌های متفاوت جامعه را دربر گرفته و سایبانی از نمادها را به منظور یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه و تجربیات مختلف افراد گسترانیده بود. اما با تجربه زیست جهان‌های مختلف در طی زندگی مدرن، وظیفه قدیمی دین به طور جدی مورد تهدید قرار گرفته، بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی تحت اداره معانی و نظام‌های معنایی کاملاً ناسازگار در می‌آیند. برای سنت‌های دینی و نهادهای نماینده آن‌ها، یکپارچه‌سازی این زیست‌جهان‌های متکثر در قالب جهان بینی واحد و جامع بیش از پیش به طور جدی دشوار و بلکه حتی اصولاً مقبولیت تعاریف دینی از واقعیت، از درون، یعنی درون آگاهی شخصی فرد، به پرسش گرفته می‌شود که اولین پیامدش خصوصی شدن دین است (Berger et al, 2002). «در این وضعیت در سطح آگاهی افراد انواع‌گرایش‌های دینی ظهور یافته و تساهل و تسامح نسبت به دیدگاه‌ها و نگرش‌های رقیب افزایش می‌یابد» (Tavassoli & Morshedi, 2006, p113).

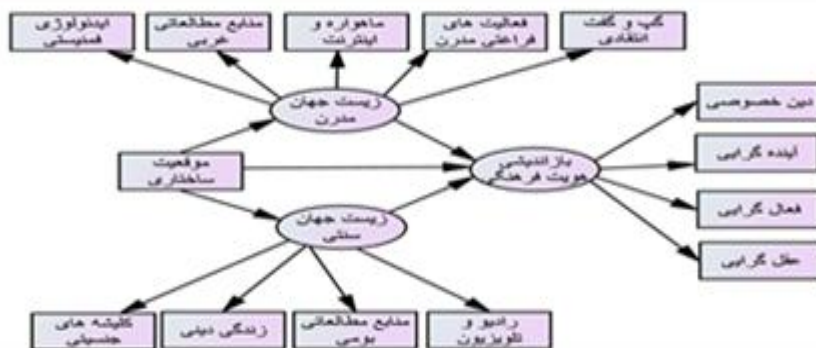
هابرماس^۱ زیست‌جهان را به عنوان پیش‌زمینه تمام روابط تعریف می‌کند. افراد در چارچوب حوزه عمومی زیست‌جهان در مورد مسائلی که برایشان اهمیت دارد به کنش ارتباطی پرداخته، افکار عمومی را شکل داده و از طریق گفتار به بازآفرینی جامعه می‌پردازند (Arab, 2015). «زیست‌جهان مکان متعالی است که گوینده و شنونده ملاقات و به طور متقابل ادعا می‌کنند که سخنان‌شان با جهان تطبیق می‌کند...، و این که می‌توانند آن ادعاهای اعتبار را نقد و تصدیق کنند و مخالفت‌شان را حل و فصل کنند و به توافق برسند» (Ritzer, 2014, p717).

¹ Jürgen Habermas

در این تحقیق با اتکا به نظر برگر، زندگی دینی افراد اعم از باورها و عقاید دینی و نیز مناسک و مراسم اعتقادی که به طور سنتی و از بدو تولد افراد جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهد به مثابه شاخصی از زیست جهان سنتی، و خصوصی شدن دین و گزینش گری نیز به مثابه شاخصی از هویت فرهنگی بازنندیشانه در دوران مدرن تلقی شدند. از طرفی بر اساس نظر برگر، جنکینز و تحلیل های فمینیستی دال بر وجود طرح های سنخ بندی در زندگی روزمره و رده بندی های نهادی و طبیعی مثل تصورات قالبی و کلیشه های جنسیتی و نیز تربیت سنتی زنان، کلیشه های جنسیتی به عنوان شاخص زیست جهان سنتی و در مقابل ایدئولوژی فمینیستی که به دنبال برابری زنان و مردان در دوران مدرن است، به مثابه شاخص زیست جهان مدرن تلقی گردید. به پیروی از نظر هابرماس و کاستلز، پدیده هایی چون امکان گذران اوقات فراغت به شیوه ای مدرن، گسترش وسایل ارتباطی ماهواره ای و اینترنت، گفتگوی آزاد و انتقادی حاصل از ارتباطات و شبکه های اینترنتی و مجازی در زمره زیست جهان مدرن قرار گرفت، چه در مقایسه با زندگی سنتی بر آگاهی های اجتماعی افراد تأثیر متفاوت و فزاینده ای دارند. در نهایت همانند جنکینز، کاستلز و بوردیو، موقعیت ساختاری افراد به مثابه سرمایه های مادی و فرهنگی یا میدان های عملی تصور شد که بر تجربه زنان از زیست جهان اجتماعی و بازنندیشی آنان تأثیر می گذارد. بنابراین فرضیات و مدل نظری تحقیق به شکلی مفروض گردید که در آن بازنندیشی هویت فرهنگی متغیر وابسته به زیست جهان های مدرن، سنتی و موقعیت ساختاری است. به علاوه متغیرهای زیست جهان مدرن و سنتی خود به متغیر موقعیت ساختاری وابسته هستند.

فرضیه ها و مدل نظری پژوهش

- ۱- تجربه زیست جهان مدرن با بازنندیشی هویت فرهنگی زنان مورد مطالعه رابطه دارد.
- ۲- تجربه زیست جهان سنتی با بازنندیشی هویت فرهنگی زنان مورد مطالعه رابطه دارد.
- ۳- موقعیت ساختاری زنان مورد مطالعه با بازنندیشی هویت فرهنگی در آنان رابطه دارد.
- ۴- موقعیت ساختاری افراد مورد مطالعه با تجربه آنان از زیست جهان های مدرن رابطه دارد.
- ۵- موقعیت ساختاری افراد مورد مطالعه با تجربه آنان از زیست جهان های سنتی رابطه دارد.



روش پژوهشی و ابزار پژوهش

مطالعه حاضر به لحاظ معیار اجرا، زمان، ماهیت و وسعت به ترتیب از نوع تحقیق پیمایشی، مقطعی (سال ۱۳۹۵)، کاربردی و پهنانگر است. جامعه آماری زنان و دختران ۱۹-۴۹ ساله شهر کرج است که طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، شامل ۵۶۵۷۲۷ نفر می شدند. حجم نمونه به تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران، با خطای برآورد ۵ درصد و فاصله اطمینان ۹۵ درصد تعیین شد که با روش نمونه گیری خوشه ای در چند مرحله و به صورت تصادفی از نقاط مختلف شهر انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا نام محلات موجود در مناطق ۱۰ گانه شهرداری کرج (به عنوان خوشه های اولیه) شامل ۳۱ محله یا حوزه، استخراج و بر اساس اشتهار به مرفه نشین، متوسط نشین و کارگر نشین به سه خوشه تقسیم شدند. سپس با روش قرعه کشی تصادفی ساده از هر خوشه دو محله و در مرحله بعد، از هر محله ۳-۲ بلوک به تصادف انتخاب و پس از تهیه فهرست پلاک های مسکونی، بنا به تعداد افراد مورد نیاز به منازل موجود مراجعه و با خانم های واقع در سنین مورد نظر تحقیق که البته حاضر به همکاری با محقق بودند مصاحبه و پرسشنامه ها (در هر خوشه تقریباً ۱۳۳ نفر) تکمیل شد. پرسشنامه از گویه های محقق ساخته و تحقیقات پیشین تهیه و در طیف لیکرت تنظیم و پس از تأمین اعتبار صوری، آزمون اعتبار سازه و برآورد شاخص KMO انجام و پایایی گویه ها با استفاده از تکنیک "آلفای کرونباخ" آزمون و اصلاح شد. نتایج حاصل (جدول ۱) حاکی از پایایی و اعتبار لازم گویه های مرتبط با متغیرهای مورد بررسی است، زیرا از حداقل مقدار لازم (۰,۶) بالاترند. کلیه آزمون ها، آمار توصیفی؛ استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق در نرم افزار SPSS 21.0 انجام شده است.

جدول ۱ - معرفی متغیر های تحقیق و شاخص های آن ها به همراه میزان پایایی و تحلیل سازه ای

نام متغیر	ابعاد یا شاخص ها	آلفای کرونباخ	KMO
هویت فرهنگی بازاندیشانه	۱- دین داری خصوصی شده	۰,۷۹۱	۰,۸۱۰
	۲- آینده گرایی	۰,۷۸۳	۰,۸۰۸
	۳- فعال گرایی	۰,۸۲۲	۰,۸۱۶
	۴- عقل گرایی	۰,۷۵۵	۰,۸۰۵
زیست جهان سنتی	۱- کلیشه های جنسیت گرا	۰,۷۷۷	۰,۸۹۳
	۲- زندگی دینی	۰,۹۲۷	۰,۸۷۳
	۳- منابع مطالعاتی بومی	۰,۷۰۵	۰,۷۱۸
	۴- رادیو و تلویزیون بومی	۰,۹۰۷	۰,۹۰۵
زیست جهان مدرن	۱- ایدئولوژی فمینیستی	۰,۷۰۰	۰,۸۳۶
	۲- منابع مطالعاتی غیر بومی (غربی)	۰,۷۷۱	۰,۷۹۱
	۳- ماهواره و اینترنت	۰,۸۱۴	۰,۸۰۳
	۴- فعالیت های اجتماعی، فراغتی مدرن و متنوع	۰,۸۳۵	۰,۸۶۸
	۵- گپ و گفتگوی انتقادی	۰,۸۷۵	۰,۸۳۵

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

هویت فرهنگی بازاندیشانه: هویت، همان "خود" است که به طور اجتماعی تثبیت و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می آید و در بردارنده تأمل و بازاندیشی و تصمیم گیری در سطوح مختلف زندگی روزمره است (Jenkins, 2002 ; Giddens, 2013). هویت در این معنا به عنوان «سازه اجتماعی با تکیه بر حافظه جمعی و تمامی منابع معرفتی با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی به وجود آمده و تعریف می شود و در طی زمان به طور مجدد تفسیر می شود» (Javadi Yeghaneh & Azizi, 2008, p188). در این نگاه سازواره، هویت دارای سطوح یا ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در این مقاله بعد فرهنگی آن از دو سویه سنتی و مدرن آن گونه که در نظریات گیدنز آمده مورد ملاحظه قرار گرفته تا بتواند ایستایی و پویایی تفکر زنان را نشان دهد. سنت در این جا ارزش ها، باورها، نگرش های سنتی است که در برابر تغییر و تحول مقاومت نموده و فاقد عنصر نقد بوده و میانگینی کمتر از حد انتظار دارد. منظور از مدرن نظمی اجتماعی با مرکزیت و محوریت انسانی است که از تغییرات استقبال و با انتقاد از الگوهای جا افتاده از آن ها فاصله گرفته یا آن ها را در کنش های خود اصلاح می کند. لذا میانگین بالاتر از حد انتظار مشخصه هویت مدرن یا بازاندیشانه

خواهد بود. پس هویت فرهنگی به صورت مؤلفه ای مدرن با ۳۱ گویه در قالب طیف لیکرت و در ۴ شاخص به شرح زیر تعریف و عملیاتی شده است:

- دینداری خصوصی شده: از نظر پیتر برگر در دنیای مدرن اعتقادات وجهی سیال یافته و فرد خود می خواهد منابع ایمانی و اعتقادی اش را بازتعریف و گزینش کند (Berger et al, 2002). این شاخص با سوالاتی از نگرش درباره زندگی فردی و اجتماعی حول آموزه های دینی سنجیده شد.

- آینده گرایی: با ظهور و توسعه نهاد های مدرن، فرهنگ های گذشته گرا از بین می روند. مسئله انتقال فرهنگ دیگر مختص پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها نیست بلکه آموخته های اکتسابی فرد معیار قضاوت و ارزیابی در باره او و امور مختلف قرار می گیرد (Fazeli, 2007). سوالاتی از تمایل به تجربه شیوه های نو و تجدید نظر در ارزش ها و باورهای سنتی و ... این شاخص را سنجید.

- فعال گرایی: تقدیرگرایی اعتقاد به سرنوشتی محتوم و از پیش تعیین شده است (Rafiei, 2003). با فاصله گرفتن از جامعه سنتی این تحرک ذهنی در انسان متجدد به وجود می آید که مشارکت فعال در تعیین سرنوشت را حق خود در زندگی بداند که با گویه هایی چون اعتقاد به نقش فعال خود در زندگی و وجود یا عدم امکان تغییر زندگی خود یا مدیریت و کنترل آینده و اعتقاد به قسمت و شانس و ... مورد سنجش قرار گرفت.

- عقل گرایی و علم گرایی: هر قدر جامعه در حوزه های مختلف از جمله سیاست و اجتماع مسئولیت پذیر و متعهد به انجام امور جمعی باشد، عقل گرایی جایگزین خرافه گرایی شده و مسیر منطقی رفتارهای اجتماعی راه خود را در باورهای عمومی می یابد (Fallahi, 2014). این شاخص با طرح سوالاتی حول عقیده به وجود یا عدم وجود سازگاری آموزه های دینی و سنتی با عقل انسان امروزی؛ ابدی و لازم الاجرا دانستن احکام دینی و ... مورد سنجش قرار گرفت.

زیست جهان های اجتماعی چندگانه: زیست جهان، منبع اطلاعات و آگاهی های افراد است که تکثر آن به دوران مدرن مربوط می شود (Berger et al, 2002). در اینجا، به دلیل وضعیت در حال گذار جامعه منظور از چندگانه شدن، وجود زیست جهان های سنتی و مدرن در کنار هم است:

الف- زیست جهان سنتی با ۳۸ گویه و ۴ شاخص در قالب طیف لیکرت تعریف و عملیاتی شد :
- کلیشه های جنسیت گرا: « مضمون اصلی ادبیات مربوط به کلیشه های جنسی در تفاوت حیات روحی و اجتماعی زنان و مردان است. زنان از جهت ارزش ها و منافع بنیادیشان، در باره ساخت واقعیت اجتماعی بینش و برداشت متفاوتی از مردان دارند. مضمون دوم این است که شکل کلی روابط زنان و تجربه های زندگی شان، شکل متمایزی است » (Ritzer, 2007). این شاخص با سوالاتی درباره باور یا عدم باور به کلیشه های جنسیت گرا مورد سنجش قرار گرفت.

- زندگی دینی: یعنی التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی و پیروی از آن و زیرمجموعه های آن (Ahmadi, 2009) که در این تحقیق از طریق پرسشنامه گلارک و استارک^۱ پیرامون بعد اعتقادی و مناسکی زندگی دینی افراد سوال شده است.

- استفاده از منابع علمی - مطالعاتی بومی: هر آن چه که اطلاعاتی در خود ذخیره کرده و بتوان بخشی یا تمام نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق مطالعه آن استخراج کرد. این منابع در فرمت یا شکل هایی هستند که محتوای اطلاعات را در درون خود ذخیره و منتشر می کنند مانند: کتاب، مجله، روزنامه، عکس و... که از یک منظر به منابع چاپی نیز معروفند (Bagheri, 2014) و در اینجا میزان مطالعه این منابع که در سپهر بومی و با کسب مجوزهای لازم منتشر شده سنجش شد.

- استفاده از رادیو و تلویزیون داخلی: منعکس کننده برنامه هایی است که در سپهر بومی تولید و با کسب مجوزهای لازم عرضه می شوند. هرچند این دو رسانه فی نفسه بخش عمده ای از فضای مدرن را بازتولید و منتشر می کنند و منجر به بازاندیشی در ابعاد مختلف هویتی می شوند ولی از آن جایی که در جامعه ایران به طور انحصاری در کنترل حاکمیت دینی می باشند، بالطبع منطبق با ارزش ها و نگرش های پذیرفته شده جامعه دینی و بومی عمل نموده و نمی توانند این ارزش ها را به چالش بکشند و چون منظور از سنت، ارزش ها و باورها، نگرش ها و فرایندهایی است که در برابر تغییر و انتقاد مقاومت می کند، لذا این دو رسانه در این تحقیق به مثابه زیست جهان سنتی قلمداد شده و با سوالاتی درباره میزان و کیفیت استفاده از آنها مورد سنجش قرار گرفت.

ب- زیست جهان مدرن با ۴۰ گویه و ۴ شاخص در قالب طیف لیکرت عملیاتی شد:

- باور به ایدئولوژی فمینیستی: فمینیسم آیینی است که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است لذا یک جنبش اجتماعی است، اما قبل از آن فمینیسم ایدئولوژی است، چون تأکید بر ارزش مساوی زنان با مردان دارد (Michelle, 1993). این شاخص با سوالاتی از لزوم تساوی و تشابه حقوق زن و مرد؛ لزوم داشتن حق طلاق برای زن و ... مورد سنجش قرار گرفت.

- منابع مطالعاتی غیر بومی: انتظار می رود این منابع که شامل کتب تاریخی و تخصصی غیر بومی، نشریات و جراید خارجی، جزو منابع مطالعاتی افراد تحصیل کرده یا علاقه مند باشد و با سوال درباره میزان و کیفیت استفاده آنها سنجیده شد.

- ماهواره و اینترنت: « آن دسته از شبکه های تلویزیونی که برنامه های خود را از طریق ماهواره های تل استار و هات برد و غیره پخش می کنند، ماهواره نام دارند» (Bakhtiari & Farokhi, 2014, p. 64). امروزه پایگاه های اینترنتی شبکه هایی هستند که با تکنولوژی الکترونیکی به هم متصل و افراد

¹ Glarek & Stark

با عضویت در آن امکان دستیابی به اطلاعات سایر اعضا، آشنایی با علایق آن‌ها، به اشتراک گذاری تولیدات متنی، صوتی و تصویری و نیز تشکیل گروه براساس علایق مشترک با برخی از دیگر اعضای پایگاه را پیدا می‌کنند (Seddiq Bonay, 2010). این امکانات به دلیل عقبه غیر بومی آن اغلب قادرند ارزش‌های پذیرفته شده جامعه را به چالش بکشند. این شاخص با سوالاتی درباره میزان و کیفیت استفاده از این منابع مورد سنجش قرار گرفت.

- فراغت مدرن: «مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود، برای استراحت، تفریح، توسعه یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن‌ها می‌پردازد» (Saeedi Rezvani & Sinichi, 2007, p31). این شاخص با سوال از میزان فعالیت افراد در امور فارغ از الزامات شغلی و خانوادگی سنجیده شد.

- گپ و گفتگوی انتقادی: بنا به عقیده هابرماس در یک جامعه مدنی، افراد در چارچوب حوزه عمومی زیست جهان و از طریق گفتار به بازآفرینی جامعه می‌پردازند (Arab, 2015). گفتگوی انتقادی می‌تواند اساس آگاهی انسان‌ها از کیستی و چیستی خود و منشاء تأمل در هویت شود که بویژه امکان آن در شرایط کنونی تا حد زیادی از طریق شبکه‌های مجازی فراهم است. این شاخص با سوالاتی حول میزان گفت و گو در باره مسائل دینی و مذهبی، سیاسی و ... سنجیده شد.

متغیر موقعیت ساختاری: این سازه از جمع امتیازات مربوط به وضعیت تحصیلی؛ شغلی و درآمدی فرد و سرپرست او در سه طیف ایجاد و در سه طبقه بالا، متوسط و پایین توزیع شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌ها ۳۹٫۷۵٪ افراد در گروه سنی ۱۹-۲۹؛ ۳۲٫۲۵٪ در گروه ۳۰-۳۹ و ۲۸٪ در گروه ۴۰-۴۹ سال قرار داشتند. ۳۷٫۷۵٪ پاسخگویان سابقه ازدواج نداشته و ۵۷٪ متأهل و بقیه بیوه یا مطلقه بودند. ۱۲٫۳٪ افراد زیر دیپلم؛ ۵۱٪ دارای حداقل دیپلم؛ ۳۶٪ لیسانس و بالاتر بوده‌اند. ۳۱٫۸٪ شاغل و ۳۴٫۵٪ نیز در حال تحصیل به سر می‌برده‌اند. ۴۷٪ فاقد درآمد، ۲۲٫۵٪ درآمد زیر یک میلیون تومان و ۳۰٫۵٪ بیش از یک میلیون تومان اعلام شده‌اند و به طور کلی ۱۸٫۸٪ افراد در موقعیت ساختاری پایین، ۵۰٫۵٪ متوسط و ۳۰٫۸٪ بالا بودند. به بیان دیگر اکثر پاسخگویان در موقعیت ساختاری متوسط و بالا قرار داشتند.

برای توصیف متغیرهای تحقیق، میانگین این متغیرها اندازه‌گیری و با میانگین مورد انتظار (۳) مقایسه شده است. عدد ۳ میانگین طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲- تحلیل توصیفی متغیرهای زیست جهان سنتی ؛ مدرن و بازاندیشی هویت و مؤلفه

های آن ها

متغیرهای تحقیق	میانگین مورد انتظار	میانگین مشاهده شده	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	بازه داده ها
زیست جهان سنتی	۳	۲,۹۸	۰,۵۴۶	۰,۱۶۱	۰,۶۱۳	۲,۶۳
کلیشه جنسیت گرا	۳	۲,۳۴	۰,۸۰۱	۰,۸۱۳	۰,۸۷۳	۳,۹۰
زندگی دینی	۳	۳,۵۷	۰,۷۱۹	-۰,۶۴۵	-۰,۶۹۲	۳,۸۳
منابع مطالعاتی بومی	۳	۳,۲۴	۰,۷۶۶	-۰,۲۶۹	-۰,۰۶۲	۴
رادیو و تلویزیون بومی	۳	۳,۲۷	۰,۹۱۳	۰,۰۸۲	-۰,۶۲۴	۴
زیست جهان مدرن	۳	۳,۰۵	۰,۴۸۱	۰,۱۶۵	۰,۱۱۴	۲,۵۵
ایدئولوژی فمینیستی	۳	۳,۵۲	۰,۹۲۴	-۰,۸۰۷	-۰,۲۰۷	۴
منابع مطالعاتی غیر بومی	۳	۲,۱۱	۰,۶۳۹	۰,۰۹۱	۲,۴۴۶	۳,۸۰
ماهواره و اینترنت	۳	۳,۳۵	۰,۵۶۲	۰,۱۳۶	۰,۴۱۵	۳,۵۵
فعالیت های تفریحی	۳	۲,۹۵	۰,۶۵۴	۰,۲۵۸	۰,۱۳۰	۳,۷۱
گپ و گفتگوی انتقادی	۳	۳,۲۱	۱,۰۱۴	-۰,۲۷۳	-۰,۵۸۹	۴
بازاندیشی هویت فرهنگی	۳	۳,۰۹	۰,۵۸۹	-۰,۲۵۴	۰,۰۹۶	۳,۴۰
دین خصوصی	۳	۳,۰۵	۰,۵۵۶	-۰,۵۹۰	۰,۵۵۳	۳,۲۹
آینده گرایی	۳	۳,۱۷	۰,۷۹۲	-۰,۰۹۴	-۰,۳۴۴	۴
فعال گرایی	۳	۳,۰۸	۰,۷۶۶	-۰,۲۵۵	-۰,۰۸۴	۴
عقل گرایی یا علم گرایی	۳	۳,۰۷	۰,۷۵۵	-۰,۱۸۹	۰,۱۶۵	۴

در جدول ۲ میانگین مشاهده شده متغیر زیست جهان سنتی (۲,۹۸) ، نشان می دهد که سیطره زیست جهان سنتی بر افراد مورد مطالعه تقریباً در حد متوسط (۳) است. در بین شاخص های این متغیر زندگی دینی (۳,۵۷) و باور به کلیشه های جنسیتی سنتی (۲,۳۴) به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیر را بر بازاندیشی هویت دارند. میانگین مشاهده شده متغیر زیست جهان مدرن (۳,۰۵) با انحراف معیار ۰/۴۸۱ از میانگین مورد انتظار (۳) قدری بالاتر است. پس به طور توصیفی گفته می شود که پاسخگویان به میزان بیشتری در سیطره زیست جهان مدرن قرار دارند. در این بین بر حسب میانگین به ترتیب ایدئولوژی فمینیستی (۳,۵۲) ؛ استفاده از ماهواره و اینترنت (۳,۳۵) و منابع مطالعاتی غیر بومی (۲,۱۱) بیشترین و کمترین تأثیرات را بر بازاندیشی هویت دارند. هم چنین گویا زیست جهان زنان در شهر کرج از یک ساختار دوگانه مدرن - سنتی البته با غلبه زیست جهان مدرن برخوردار

است. یعنی با وجود برتری نسبی زیست جهان مدرن، اما فاصله اندکی که با زیست جهان سنتی دارد این ادعا را قابل قبول می نماید که سیطره زیست جهان سنتی کماکان پابرجاست و بر فکر و ذهن کنشگران اجتماعی تأثیر می گذارد. به علاوه نتایج حاکی است که زنان ایرانی با این که تحت تأثیر زیست جهان دین بوده و باورها و مناسک دینی کماکان در زندگی مردم جایگاه مهمی دارد ولی به دلیل تأثیرپذیری همزمان از زیست جهان های مدرنی مثل رسانه های خارجی و هجوم ایدئولوژی ها و ارزش های فمینیستی منبعت از فرهنگ غرب در حال رها شدن از بخشی از سیطره زیست جهان سنتی مثل باور به کلیشه های جنسیت گرا هستند.

میانگین متغیر بازاندیشی هویت فرهنگی (۳,۰۹) نیز با انحراف معیار ۰,۵۸۹ و نیز شاخص های آن به ترتیب آینده گرایی ۳,۱۷؛ فعال گرایی ۳,۰۸؛ عقل گرایی ۳,۰۷ و دین خصوصی ۳,۰۵ قدری بالاتر از میانگین مورد انتظارند و این یعنی زنان و دختران مورد مطالعه در شهر کرج به میزانی قابل انتظار دچار بازاندیشی در هویت فرهنگی خود شده اند، هرچند دوگانگی حاصل از سیطره زیست جهان های سنتی و مدرن، در این میزان منعکس شده و میانگین ها از حد متوسط فاصله زیادی پیدا نکرده اند. در واقع با وجود بازاندیشی، هنوز زنان فاصله زیادی از هویت سنتی خود نگرفته اند. یافته های استنباطی تحقیق نیز شامل آزمون فرضیات و تحلیل رگرسیون به شرح زیر است:

آزمون فرضیات: برای آزمون ۵ فرضیه تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۵ معنی دار تلقی می شود و در جدول ۳ نشان داده شده است.

اول- تجربه زیست جهان مدرن با بازاندیشی هویت فرهنگی زنان رابطه دارد.

بر اساس نتایج، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل زیست جهان مدرن با متغیر بازاندیشی هویت فرهنگی برابر با $r = 0,605$ با سطح معنی داری ($sig = 0,001$) محاسبه شده است. لذا همبستگی دو متغیر فوق معنی دار، با شدت همبستگی قوی و نوع رابطه مثبت یا مستقیم تعبیر می شود. این یعنی با افزایش تجربه افراد از زیست جهان های مدرن سطح بازاندیشی هویت نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه اول تأیید می شود (جدول ۳).

دوم- تجربه زیست جهان سنتی با بازاندیشی هویت فرهنگی زنان رابطه دارد.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل زیست جهان سنتی با متغیر بازاندیشی هویت فرهنگی برابر با $r = -0,350$ و سطح معنی داری ($sig = 0,001$) محاسبه شده است که همبستگی معنی دار، با شدت متوسط و نوع رابطه منفی یا معکوس است. یعنی با افزایش تجربه افراد از زیست جهان سنتی سطح بازاندیشی هویت کاهش می یابد. بنابراین فرضیه دوم تأیید می شود (جدول ۳).

سوم- موقعیت ساختاری زنان با بازاندیشی هویت فرهنگی در آنان رابطه دارد.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل موقعیت ساختاری با متغیر بازنندیشی هویت فرهنگی برابر با $r = 0,627$ با سطح معنی داری ($sig = 0,001$) محاسبه شده است که بر این اساس همبستگی دو متغیر فوق معنی دار، با شدت همبستگی قوی و نوع رابطه مثبت تفسیر می شود. بدین معنی که با بهبود و ارتقاء موقعیت افراد سطح بازنندیشی هویت نیز در آنان افزایش می یابد. بنابراین فرضیه سوم تأیید می شود (جدول ۳).

چهارم- موقعیت ساختاری افراد با تجربه آنان از زیست جهان های مدرن رابطه دارد.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل موقعیت ساختاری با متغیر تجربه زیست جهان مدرن برابر با $r = 0,469$ با سطح معنی داری ($sig = 0,001$) محاسبه شده است که بر این اساس همبستگی دو متغیر فوق معنی دار، با شدت همبستگی متوسط و نوع رابطه مثبت تعبیر می شود. این ضریب بیانگر آن است که با بهبود و ارتقاء موقعیت افراد تجربه آنان از زیست جهان های مدرن نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه چهارم نیز تأیید می شود (جدول ۳).

پنجم- موقعیت ساختاری افراد با تجربه آنان از زیست جهان های سنتی رابطه دارد.

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل موقعیت ساختاری با متغیر تجربه زیست جهان سنتی برابر با $r = -0,230$ با سطح معنی داری ($sig = 0,001$) محاسبه شده است که بر این اساس همبستگی دو متغیر فوق معنی دار، با شدت همبستگی ضعیف و نوع رابطه معکوس تعبیر می شود. این ضریب بیانگر آن است که با بهبود و ارتقاء موقعیت افراد تجربه آنان از زیست جهان سنتی کاهش می یابد. بنابراین فرضیه پنجم نیز تأیید می شود (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته

تجربه زیست جهان سنتی		تجربه زیست جهان مدرن		سطح بازنندیشی هویت فرهنگی		متغیر وابسته متغیر مستقل
sig	r	sig	r	sig	r	
-	-	-	-	0,001	0,605	تجربه زیست جهان مدرن
-	-	-	-	0,001	-0,250	تجربه زیست جهان سنتی
0,001	-0,230	0,001	0,469	0,001	0,627	موقعیت ساختاری افراد

تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق: ضرایب رگرسیون خطی چند متغیره بازنندیشی هویت فرهنگی براساس سه متغیر مستقل تجربه زیست جهان سنتی، مدرن و متغیر

موقعیت ساختاری و نیز تحلیل رگرسیون تک متغیره زیست جهان های مدرن و سنتی بر اساس متغیر مستقل موقعیت ساختاری محاسبه شد (جدول ۴).

جدول ۴ - تحلیل رگرسیونی متغیر های مستقل و وابسته تحقیق به روش Enter

تجربه زیست جهان سنتی			تجربه زیست جهان مدرن			بازاندیشی هویت			وابسته مستقل
sig	t	beta	sig	t	beta	sig	t	beta	
-	-	-	-	-	-	۰,۰۰۱	۱۰,۲۷	۰,۳۹۰	تجربه زیست جهان مدرن
-	-	-	-	-	-	۰,۰۰۱	-۵,۸۹	-۰,۲۰۳	تجربه زیست جهان سنتی
۰,۰۰۱	-۴,۷۱	-۰,۲۳۰	۰,۰۰۱	۱۰,۵۹	۰,۴۶۹	۰,۰۰۱	۱۰,۲۹	۰,۳۹۷	موقعیت ساختاری
۲۲,۱۷۲			۱۱۲,۳۳			۱۶۵,۲۷		F	ANOVA
۰,۰۰۱			۰,۰۰۱			۰,۰۰۱		sig	
۰,۰۵۳			۰,۲۲۰			۰,۵۵۶		(R ²)	
۰,۰۵۰			۰,۲۱۸			۰,۵۵۳		R ² تعدیل شده	

بر اساس جدول ۴، R^۲ معادل ۰,۵۵۳ با سطح معنی داری (Sig=۰,۰۰۱) بدست آمد به عبارتی ۵۵,۳ درصد از تغییرات متغیر معیار (بازاندیشی هویت فرهنگی) را می توان به وسیله رابطه خطی آن با متغیر های پیش بین (مستقل) تعیین نمود. طبق نتایج به دست آمده متغیر موقعیت ساختاری به میزان ۰,۳۹۷ و بعد از آن، تجربه زیست جهان مدرن به میزان ۰,۳۹۰ به ترتیب بر بازاندیشی هویت تأثیر مثبت دارند. درحالی که زیست جهان سنتی تأثیر کاهنده ای به میزان -۰,۲۰۳ بر بازاندیشی هویت دارد یعنی هر یک واحد افزایش در تجربه زیست جهان سنتی موجب کاهش یک واحد از میزان بازاندیشی هویت فرهنگی می شود ولی برعکس، افزایش در متغیر موقعیت ساختاری و تجربه زیست جهان مدرن باعث تقویت بازاندیشی هویت فرهنگی می شود.

نتایج رگرسیون خطی ساده بین موقعیت ساختاری با تجربه زیست جهان های مدرن و سنتی نیز نشان می دهد که میزان آزمون تحلیل واریانس معنی دار بوده (سطح معنی داری ۰,۰۰۱) و مقدار کل تغییرات پیش بینی شده زیست جهان مدرن و سنتی بر اساس این متغیر به ترتیب برابر با ۰,۲۱۸ و ۰,۰۵۰ می باشد. به عبارتی ۲۱,۸٪ از تغییرات متغیر زیست جهان مدرن و ۵٪ تغییرات متغیر زیست جهان سنتی را می توان به وسیله رابطه خطی آن با متغیر مستقل موقعیت ساختاری

تعیین نمود. طبق نتایج، این متغیر تأثیر مثبت (۰,۴۶۹) بر تجربه زیست جهان مدرن و تأثیر منفی (۰,۲۳۰-) بر تجربه زیست جهان سنتی دارد یعنی هرچه موقعیت ساختاری افراد ارتقاء می یابد، تجربه آن ها از زیست جهان های مدرن بیشتر و از زیست جهان های سنتی کمتر می شود.

ارزیابی مدل مفهومی: آزمون های آماری که با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد توانست متغیرهای تحقیق را دو به دو و سپس در قالب آزمون رگرسیون مورد سنجش قرار دهد. تایید و قابل قبول بودن روابط مفروض در مدل بر اساس یافته ها به این معنی است که مدل فرض شده توسط پژوهشگر از زیر بنای نظری و تجربی مناسبی برخوردار بوده است.

بحث و نتیجه گیری

هویت به عنوان یک سازه اجتماعی هم از فرهنگ و الزام های اجتماعی که مخلوق پیشینیان است (زیست جهان سنتی) تغذیه می کند و هم به تبع توانایی و استعداد بازاندیشی که در انسان ها وجود دارد و در دوران مدرن نیز به دلیل فراهم شدن امکانات و بستر های لازم (زیست جهان های مدرن) فرصت بروز و ظهور بیش تری می یابد، می تواند فراتر از الزام های اجتماعی و فرهنگی تغییر و دچار بازاندیشی شود. نتایج پژوهش تقریباً با همه مطالعات انجام شده درباره بازاندیشی هویت همخوانی دارد زیرا هم تحقیق حاضر (البته به صورت کمی) و هم تحقیقات پیشین این مهم را مورد تأیید قرار می دهند که هرچه دسترسی زنان به منابع هویت ساز جدید (زیست جهان های مدرن) بیشتر باشد، بازتعریف هویتی زنان افزایش می یابد و برعکس. مطالعه حاضر ضمن اثبات فرضیات و تأیید مدل مفهومی مفروض، این امید را نویدگر است که هویت زنان و دختران حداقل در جامعه شهری ایران در مسیر بازاندیشی و تحول در ابعاد نه صرفاً عینی بلکه در سطوح ذهنی قرار گرفته و از آنان اهرمی با پتانسیل قوی در جهت تحولات رو به آینده فراهم ساخته است.

در همین رابطه، به نظر می آید زنان مسلمان ایرانی نیز در این تحقیق شبیه به زنان آذربایجانی در تحقیق نجفی زاده (Najafizadeh, 2013) تحت تسلط دین نهادی و رسمی، به شدت متأثر از زیست جهان دینی هستند، یعنی حضور دین در زندگی مردم به لحاظ تاریخی و نهادهای متولی آن که به صورت رسمی و با پشتوانه سیاسی آن را در سطح جامعه جاری و ساری می کنند، سپهری قوی از زیست دینی و سنتی فراهم نموده که بر اندیشه و کنش افراد سیطره ای بی بدیل ایجاد نموده است. با این وجود همان طور که زن جوان ایرانی تحت تأثیر زیست جهان های مدرن و ارتقای آگاهی نیاز به کسب استقلال شخصیتی و هویتی را در خود احساس کرده (به تأیید تحقیقات پیشین)، بر اساس مدل نظری پیتیر برگر در باره تساهل و تسامح دینی در جهان مدرن (Berger et al, 2002)، در اعتقادات و باورهای دینی نیز دچار بازاندیشی شده است. چنانچه بر خلاف فراخوان نهادهای

رسمی دین به اجرای دین در عرصه عمومی و منطبق با معیارهایی که نهادهای متولی دین ارائه می کنند، و با وجودی که قویاً مؤمن و عامل به دین است ولی ترجیح و تمایلش دین خصوصی و تسامح دینی است.

به علاوه، ادعای آشکار یا تلویحی گیدنز، کاستلز و هابرماس مبنی بر این که نواحی شهری جدید محرک توسعه نوعی زندگی عمومی و جهان شهری شده ای است که افراد خود می توانند به جستجوی افراد دیگری بپردازند که علایق و سلیقه های مشترکی داشته و به ایجاد مجامع و انجمن ها و سازمان های مشترک مبادرت و به مدد فعالیت در این محیط های جدید مثل شبکه های مجازی به صورتی آزادانه و عقلانی به ارتباط با هم پرداخته، و در پرتو یک نوع کنش ارتباطی عقلانی زندگی نامه تأملی برای خود خلق کنند که ضمن کمک به شکوفایی فردی، مسیر مشترک خود را ببیمایند (Giddens, 2013; Ghasemi, 2009; Ritzer, 2014)، تحقیق حاضر نیز تأیید نمود زنان با اندک فرصت (در حد متوسط) عضویت و فعالیت در گروه های مجازی و غیر مجازی و گپ و گفتگوی انتقادی، شرایط تأمل در خود و بازآفرینی هویت را به طور محدود پیدا کرده اند. قطعاً اگر مجال و فرصت حضور در حوزه های عمومی برایشان فراخ تر گردد، توان بازاندیشی بیشتری خواهند یافت. به علاوه نتایج مطالعه با نظر گیدنز نیز منطبق است که افراد در جامعه متجدد به دنبال تسلط یابی بر آینده و سازماندهی آن هستند (آینده گرایی). همچنین در ماهیت زندگی اجتماعی و فرهنگ جدید، سرنوشت و تقدیر نقشی برعهده نداشته و در لحظات سرنوشت ساز، فرد باید شخصاً اوضاع را کنترل و فعالانه تصمیم بگیرد (فعال گرایی). بنابراین بازاندیشی هویت و آزادی از امر و نهی های جزم آلود سنت های کهن با کاربرد روش های عقلانی و علم و تکنولوژی (علم گرایی و عقل گرایی)، تحقق می یابد (Giddens, 2013).

و در تأیید نظر جنکینز، کاستلز و بوردیو، موقعیت ساختاری افراد به مثابه جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان های تعاملاتی و بهره مندی از سرمایه های مادی و فرهنگی که بیشتر به واسطه تحصیل و اشتغال فراهم گردیده، متغیر مهمی است که در میزان دسترسی زنان به زیست جهان های اجتماعی و توان بازاندیشی تأثیر مهم و تعیین کننده ای دارد.

در نهایت و با استناد به نتایج مذکور پیشنهاد تحقیق به ارکان برنامه ریز و تصمیم گیرندگانی که دغدغه پیشرفت و توسعه جامعه را دارند این است که جلوگیری از مدرانیزاسیون بدلیل بروز تضادهای هویتی ناشی از تجربه زیست جهان های مختلف در دورانی که جهانی سازی و گسترش ارتباطات خصیصه مهم آن است عملاً نه امکان پذیر است و نه عقلانی، ولی می توان با شیوه هایی مناسب فاصله سنت و مدرن را تعدیل نمود به گونه ای که ضمن احترام به سنت ها و حفظ میراث فرهنگی

و اجتماعی هویت ساز، بخش های ناکارآمد و غیر مفید آن تغییر یا اصلاح کردند تا مسیر بازاندیشی و هویت سازی در جهت پویایی افراد و جامعه، هرچه بیشتر تسهیل گردد.

References:

- Adkins,L.(2003).Reflexivity:Freedom or Habit of Gender?Theory,Culture & Society. explorations in critical social science, 20(6), 21-153. DOI:10.1111/j.1467-954X.2005.00531.x
- Ahmadi,Y.(2009).Religious Situation and Attitude towards the Future of Religion among Generations (Case Study of Sanandaj City). Social Cultural Knowledge, 1(1), 17-44.[Persian]
- Arab,A.(2015). A Survey on the Life World with Jürgen Habermas. presented at the International Conference on Psychology, Educational and Behavioral Sciences,12th & 13th July,Iran,Tehran. www.academia.edu, 18/12/2015.[Persian]
- Bagheri,A.(2014).What is information resources? www.prbagheri.blog.ir, 31/12/2014.[Persian]
- Bakhtiari,H ; Farokhi,H.(2014).Investigating the Relationship between Satellite TV Channels And the youth's religious identity.Research on Islamic Education Issues,New(15), 56-72. [Persian]
- Berger,P.L; Berger,B & Kellner, H .(2002). Homeless Mind (Modernization and Consciousness). Mohammad Savoji translation. Tehran:Ney.[Persian]
- Berger,P.L ; Lakman,T.(1996).The Social Construction of Reality:A Treatise in the Sociology of Knowledge. Fariborz Majidi translation.Tehran: Scientific and Cultural.[Persian]
- Castells, M.(2006).The Age of Information: Economy,Society and Culture:The Power of Identity(Vol.2).Ahad Alighillian & Afshin Khakbaz translation.Tehran:New Design.[Persian]
- Durkheim, Emile (2017), with the division of social work, translation of Bagher Parham, Tehran: Center. [Persian]
- Ebadollahi Chanzanegh,H ; Madadi,H & M,S.(2014).The effect of family power structure on women's rethinking identity(case study of female students of Allameh Tabataba'i University).Quarterly Journal of Social Sciences, 66, 75-120.[Persian]
- Fallahi,K.(2014).Contemplation of Superstition and Superstition. Shahrvand Newspaper, 2(410), p: 11, Thursday, 23/10/2014.[Persian]
- Fazeli,N.(2007).What is an insight or anthropological approach? www.farhangshenasi.ir, 10/1/2007.[Persian]
- Ghasemi, M. A.(2009).Risk society and its importance for strategic studies.Quarterly Journal of Strategic Studies, 12(3), 27-46.[Persian]
- Ghavam Zadeh,E ; Mozaffari,A.(2014).The Impact of Satellite TV Channels on Lifestyle Changes for Women in Iran. International Journal of Business and Social Science, 5(3),126-131.

- Ghyasvand,A.(2014).The Effect of Modern Urban Spaces on Reflection of Women's Gender Identity. *Gender Studies and Family*, 2(1), 79-98.[Persian]
- Giddens,A.(2005).Global Perspectives.Mohammad Reza Jalayipour translation.Tehran:New Design.[Persian]
- Giddens,A.(2013).Modernity and Individuality:Society and Personal Identity in the New Age.Naser Movaffaghian translation.Tehran:Nayan Rey.[Persian]
- Hasannejad,A.(2014).Clothing consumption and identity challenges among Turkmen women, Iran,M.S thesis for sociology.Unpublished.Faculty of Literature and Humanities,Faculty of Guilan.[Persian]
- Javadi Yeghaneh, M.R ; Azizi, J. (2008).Cultural and social identity among young people in Shiraz according to media factor.*Quarterly Journal of Cultural Research*, 1(3),183-213.[Persian]
- Jenkins,R.(2002).Social Identity.TouraJ Yarahmadi translation.Tehran:Shiraz Publishing.[Persian]
- Lawer, S. (2014). *Identity: Sociological Perspectives*. Cambridge: Polity Press.
- Mehta,S.(2010).Commodit Culture and Porous Socio-Religious Boundaries: Muslim Women in Dehli.South Asian Research, 30(1),1-24. Doi/10.1177/026272800903000101
- Michelle,A.(1993).Women's Social Movement.Homa Zanjani zadeh translation.Mashhad:Nika Publishing House.[Persian]
- Najafzadeh,M.(2013).Azerbaijani Women and Islam: Social Change and Narratives of Women in Azerbaijan.2012-2013 TITLE VIII RESEARCH SCHOLAR PROGRAM FINAL REPORT,research fellow ships.American councils.org.
- Rafiei,S.M.(2003).The Study of Social Factors Affecting the Rate of Fiction(A Study in Ferdows).M.S Thesis.Unpublished.Faculty of Social Sciences,Tarbiat Modarres University.[Persian]
- Rahmani,J ;Tayebi Nia,M.(2016).University and Reflexive Female Identity In Iran,the 4th Global Summit on Education GSE .(e-ISBN 978-967-0792-07-1)Kuala Lumpur, MALAYSIA, 21-32.
- Razzaghi, H.(2003). Problems of Personality Systems of Workers, Employees and Businesses(Case Study of Ten District of Tehran).*Anthropology Letter*, 3, 133-165.[Persian]
- Ritzer,G.(2007).The theory of sociology in contemporary times. Mohsen Sallati translation.Tehran:Scientific publication.[Persian]
- Ritzer,G.(2014). Sociological theory.Hooshang Nayebi translation.Tehran :Ney.[Persian]
- Saeedi Rezvani,N ; Sinichi,P.(2007).Mashhad and Leisure (Need to pay attention to the concept of a 24-hour city). *Journal of Urban Planning*, 22 & 23, 30-35.[Persian]
- Seddiq Bonay,H.(2010).The Internet:A Coarse View.The Hamshahri Media and Research Center. www.hamshahrtraining.ir, 28/8/2010.[Persian]
- Simmel, George (1950) *The Sociology of George Simmel* (Translated, edited and with an introduction by Kurt H. Wolff). New York: The Free Press.

-Tavassoli,G.A; Morshedi,A.(2006).Studying Religious Levels and Religious Attitudes of Students(Case Study:Amir Kabir University of Technology).Sociology of Iran,7(4),96-118.[Persian]

-Tsekeris,C ; Katrivesis, N.(2008).Reflexivity in Sociological Theory and Social Action. Series: Philosophy, Sociology, Psychology and History ,7(1),1 – 12.

-Weber, Max (2012) Protestant Ethics and Capitalist Spirituality, Translated by Abdolmazad Ansari, Tehran: Position, First Edition. [Persian]